

Legal Rules Governing the Flying of Drones in Air Warfare from the Perspective of International Law

(Type of Paper: Research Article)

Nabiallah Majd ^{1 *}, Hassan Savari ², Nariman Fakheri ³

Abstract

Victory and initiative in many of today's wars are with a country that has air superiority. Air superiority is using drones and this requires a full understanding of the legal principles that govern it. The purpose of this study is to examine only a part of the legal rules which govern the flight of drones in air warfare from the perspective of international law. This article, regardless of domestic law and national security concerns and with regard to international legal issues, states that a drone, based on its capabilities and limitations, may violate or comply with humanitarian law. Due to the position of this type of aircraft among the principles of international arms control, the arms control regulations do not apply to them, while the basic principles of humanitarian law include the principle of separation, the principle of necessity, the principle of proportionality, and the principle of precaution must be taken into account. When using this instrument the issues of territorial integrity, State sovereignty, and countries' airspace should be considered.

Keywords

Air Warfare, Airspace, War Rights, Legal Rules, Drone.

-
1. Ph.D. Student in International Law, Faculty of Graduate, University of Payame Noor, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: nabimajd@yahoo.com
 2. Assistant Prof., Department of International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tarbiat Modares, Tehran, Iran. Email: savari@modares.ac.ir
 3. Assistant Prof., Department of International Law, Faculty of Graduate, University of Payame Noor, Tehran, Iran. Email: ntfakheri@yahoo.com

Received: June 13, 2019 - Accepted: September 23, 2019



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

قواعد حقوقی حاکم بر پرواز هواپیماهای بدون سرنشین در

نبردهای هوایی از منظر حقوق بین‌الملل

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

نبی‌اله مجد^{۱*}، حسن سواری^۲، نریمان فاخری^۳

چکیده

پیروزی و ابتکار عمل در بسیاری از جنگ‌های امروزی با کشوری است که برتری هوایی داشته باشد و در این برتری هوایی داشتن امتیاز استفاده از پهپادهاست و این مورد به شناخت کامل اصول حقوقی حاکم بر آن نیاز دارد که هدف این تحقیق بررسی تنها بخشی از قواعد حقوقی حاکم بر پرواز هواپیماهای بدون سرنشین در جنگ‌های هوایی از منظر حقوق بین‌الملل است. این مقاله صرف‌نظر از ملاحظات حقوق داخلی و دغدغه‌های امنیت ملی و با توجه به مسائل حقوقی بین‌الملل بیان می‌کند که هواپیمای بدون سرنشین براساس توانایی‌ها و محدودیت‌هایی که دارد، می‌تواند ناقض حقوق بشردوستانه یا مطابق با آن باشد و با توجه به جایگاه این نوع هواپیما در اصول بین‌المللی کنترل تسلیحات، مقررات ناظر بر کنترل تسلیحات بر آنها اعمال نمی‌شود؛ درحالی‌که باید اصول اساسی حقوق بشردوستانه شامل اصل تفکیک، اصل ضرورت، اصل تناسب و اصل احتیاط مورد توجه قرار گرفته شده و هنگام استفاده از این نوع هواپیماها موضوع تمامیت ارضی، حاکمیت دولت‌ها و حریم هوایی کشورها مدنظر قرار گیرد.

کلیدواژگان

جنگ هوایی، حریم هوایی، حقوق جنگ، قواعد حقوقی، هواپیمای بدون سرنشین.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده تحصیلات تکمیلی، دانشگاه پیام نور واحد تهران، تهران، ایران
Email: nabimajd@yahoo.com (نویسنده مسئول).

۲. استادیار، حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
Email: savari@modares.ac.ir

۳. استادیار، حقوق بین‌الملل، دانشکده تحصیلات تکمیلی، دانشگاه پیام نور واحد تهران، تهران، ایران.
Email: ntfakheri@yahoo.com

مقدمه

قدرت نظامی به دلیل آنکه محسوس‌تر، عملی‌تر و آشکارتر از دیگر ابعاد قدرت است، اهمیت بسزا و چشمگیری دارد. تحولات دهه‌های اخیر از اهمیت سابق آن کاسته است، لیکن هنوز هم در تعیین امنیت ملی یک کشور، به‌ویژه امنیت خارجی، مقابله با تهدیدات بیگانگان عامل اساسی و تعیین‌کننده محسوب می‌شود (قنبری جهرمی، ۱۳۸۷: ۸۳). در همین زمینه نیز هواپیماها و نیروی هوایی کشورها هم‌اکنون نقش عمده‌ای در صحنه نبرد دارند. در جنگ‌های مدرن امروزی، همواره حملات هوایی عامل تعیین‌کننده سرنوشت نهایی جنگ محسوب می‌شود؛ این عامل برای تأمین پشتیبانی هوایی عملیات زمینی، انجام حملات غافلگیرانه به اهداف راهبردی از پیش تعیین‌شده دشمن، از بین بردن نقاط تجمع یگان‌ها و... به کار می‌رود.

پیروزی و ابتکار عمل در بسیاری از جنگ‌های امروزی با کشوری است که برتری هوایی داشته باشد. درصد زیادی از تجاوزهای ابرقدرت‌ها به ممالک ضعیف‌تر از طریق حملات هوایی انجام می‌پذیرد، زیرا این سلاح‌های گران‌قیمت و راهبردی، ساده‌تر و مطمئن‌تر از سلاح‌های دیگر دشمن را فلج می‌کنند و از پا درمی‌آورند (علی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۰۹). نقش و مأموریت نیروهای هوایی، هدایت و انجام عملیات هوایی برای کسب برتری هوایی، پاسداری از آسمان کشور نفوذ در عمق سرزمین دشمن و بمباران عقبه و تأسیسات لجستیکی، صنعتی و اقتصادی دشمن، پشتیبانی عملیات هوای، انجام ترابری‌های هوایی و پشتیبانی نزدیک عملیات زمینی و دریایی است و باید از ساختار مناسب برای انجام مأموریت محوله برخوردار باشد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۷۰-۶۹).

در ضرورت نگارش این مقاله می‌توان گفت که یکی از چالش‌های مهم در حوزه بین‌الملل با توجه به اختلاف‌های وسیعی که در آن به‌وجود می‌آید، مقوله حقوق هواپیماها در زمان جنگ و به‌طور کلی تر حقوق جنگ هوایی در این حوزه است. از آنجا که برخی دولت‌ها مانند آمریکا و اسرائیل و عربستان هر ساله مرتکب چنین جنایاتی در منطقه خاورمیانه شامل سوریه، یمن، عراق و... می‌شوند و کشورهای مرتبط با این موضوع، همواره با چالش‌هایی در این مورد درگیرند، از این رو تجزیه و تحلیل اصول و قواعد حاکم بر این‌گونه حملات و بررسی ابعاد حقوقی حاکم بر سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی مرتبط با حقوق هوایی، می‌تواند به درک بهتر مفاهیم و موضوعات روابط بین‌المللی کمک کند و تصویری واقعی‌تر از نهادها، فرایندها و رویدادهای بین‌المللی هوایی به‌دست دهد. طبیعی است که تحلیل دقیق پدیده‌های مزبور به نقاط قوت و ضعف نظریه‌های جریان اصلی و انتقادی در تبیین و توضیح بهتر و واقعی‌تر مقولات ذکر شده بستگی دارد.

با توجه به اینکه امروزه استفاده از جنگ‌ابزارهای هوایی و حقوق مربوط به هواپیماها از مسائل مهم در زمینه حقوق جنگ است و همچنین لزوم توجه به حضور هواپیماهای بدون سرنشین در مخاصمات مسلحانه بیش از پیش ضرورت می‌یابد که چالش‌های پیش روی این

سامانه‌های نوظهور آن گونه که شایسته است مورد توجه حقوقدانان بین‌المللی قرار گیرد (لسانی و منفرد، ۱۳۹۶: ۲۵۱). به‌طور کلی متون جامع و گویایی در زمینه کمیت و کیفیت حقوق هواپیماها در زمان جنگ به زبان فارسی وجود ندارد، از این رو بر آن شدیم که متن جامعی را در قالب یک مرجع علمی در این خصوص به علاقه‌مند ارائه کنیم تا این نقص برطرف شود. نگارنده هدف خود را از این تحقیق بحث و بررسی مفصل در خصوص ابعاد و اصول حقوقی حاکم بر حقوق هواپیماها در زمان جنگ از منظر حقوق بین‌الملل دانسته، اگرچه مدعی این امر نیست که این مقاله به‌طور جامع و مانع به موضوع مورد بحث از منظر حقوق بین‌الملل پرداخته است، اما هدف واقعی، تجزیه و تحلیل این بحث و فعالیت‌های انجام‌گرفته در این زمینه است.

روش تحقیق

در توصیف علمی و عملی و تحلیل محتوا براساس قواعد منطقی به موضوع پژوهش پرداخته شده است تا در نتیجه به بهترین نظرها برسیم و ابهامات موجود و جایگاه واقعی موضوع را بشناسیم و ارائه کنیم. همچنین نگارنده درصدد است که طرز ارائه مطالب تحقیق ضمن اینکه از جنبه‌های نظری برخوردار باشد، جنبه‌های عملی و کاربردی نیز داشته باشد. در واقع در تهیه و گردآوری سعی شده است، با استفاده از روش تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای، با وجود منابع محدود در این زمینه، نظرهای استادان در هر زمینه که مربوط به این عنوان باشد، جمع‌آوری شده و در حد امکان با رجوع به کتاب‌ها و مقالات ایشان، موضوعات بررسی شود.

مفاهیم و چارچوب نظری

برای درک بهتر عرصه نبردهای هوایی به بررسی هدف نظامی می‌پردازیم. در تعریف هدف نظامی آمده است: هدف‌های نظامی هدف‌هایی است که تخریب و انهدام کامل یا قسمتی از آنها برتری نظامی مشخصی را تشکیل می‌دهد و ماهیتاً متضمن نفع نظامی است. بمباران چنین هدف‌هایی از دید حقوق بین‌الملل کاملاً مشروع و قانونی است. بند ۳ ماده ۴۲ پروتکل اول الحاقی اهداف نظامی را نیروهای مسلح و یگان‌های خط حمله معرفی می‌کند. شناخت نیروهای نظامی در نبردهای هوایی و سلاح‌های مورد استفاده توسط این نیروها و هدایت عملیات جنگی توسط رزمندگان و عوامل و ابزار مبارزاتی صورت می‌گیرد که طبق مقررات حقوق بین‌الملل صلاحیت کامل برای مبارزه داشته باشند. از مهم‌ترین ابزار مورد استفاده در جنگ هوایی که امروزه توجه حقوقدانان را به خود جلب کرده است، هواپیماهای بدون سرنشین است که به سبب اهمیت آنها به تفصیل در این مقاله توضیح داده خواهد شد و اکنون به بررسی سایر مسائل کاربردی خواهیم پرداخت. در بیان مفهوم هواپیماهای نظامی می‌توان گفت که دستورالعمل سن

رمو در مورد حقوق بین‌الملل قابل اعمال در مورد مخاصمات مسلحانه در دریا در بخش مفاهیم خود هواپیماهای نظامی را این‌گونه تعریف می‌کند: هواپیمای نظامی، هواپیمایی است که توسط واحدهای گمارده‌شده نیروهای مسلح یک کشور که دارای علائم نظامی آن کشورند، هدایت می‌شود؛ یکی از افراد نیروهای مسلح فرماندهی آن را به عهده دارد و خدمه آن افراد نظامی‌اند که تحت مقررات نیروهای مسلح هستند. در پیش‌نویس کنوانسیون ۱۹۲۳ لاهه در خصوص قواعد جنگ هوایی در ماده ۳ آمده است که هواپیماهای نظامی باید علامتی روی بدنه خود داشته باشند که نشان‌دهنده ملیت و ماهیت نظامی آن باشد (Javier, 1998: 12).

امروزه شاهد رونمایی از نمونه جدیدی از سلاح‌های پرنده نظامی هستیم که هواپیماهای بدون سرنشین از مصداق‌های بارز آن به‌شمار می‌آیند. اتکا بر سامانه‌های پروازی هواپیماهای بدون سرنشین در عملیات جنگی پدیده جدیدی است. در ابتدا اغلب برای انجام عملیات اطلاعاتی، مهارتی، شناسایی استفاده شده‌اند و معمولاً کارکرد آنها مبتنی بر انتقال پیوسته تصاویر به مراکز فنی عملیات است که از آن تصاویر با اهداف اطلاعاتی و تسهیل حملات نیروهای زمینی یا هواپیماهای سرنشین‌دار استفاده می‌شد (Michael, 2013: 593).

یکی از فناوری‌هایی که نقش چشمگیری در تسهیل امور دولت‌ها داشته، فناوری تولید هواپیماست. این وسیله کاربرد دوگانه دارد؛ بدین‌معنا که دولت‌ها هم در امور نظامی و غیرنظامی از آن بهره می‌جویند. هواپیماهای بدون سرنشین، که در زبان فارسی پهپاد نیز خوانده می‌شوند، یکی از این نوع هواپیماها به‌شمار می‌روند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۹۲). در تعریف هواپیماهای بدون سرنشین آمده است که هواپیماهای بدون سرنشین به هواپیمایی اطلاق می‌شود که یا توسط خلبان از روی زمین هدایت می‌شود یا طبق مأموریت یا برنامه‌های محوله به آنها به‌طور خودکار پرواز می‌کنند (نقی‌زاده و هواوندی، ۱۳۹۱: ۶۵). در تعریف وزارت دفاع آمریکا از هواپیماهای بدون سرنشین، علاوه بر ذکر اینکه این هواپیماها یا توسط خلبان هدایت می‌شوند یا طبق مأموریت به‌صورت خودکار، به تابعیت توسعه‌پذیری بازیافت و امکان حمل سلاح‌های مخرب یا غیرمخرب به میزان بسیار زیاد اشاره کرده است (نوشادی، ۱۳۹۴: ۴۹). نکته حائز اهمیت اینکه این هواپیماها موارد استفاده متعددی دارند، از جمله آنها می‌توان به کنترل مرزها، ارزیابی شرایط محیط زیست و مواجهه با مشکلات زیست‌محیطی، مبارزه با قاچاق مواد مخدر، بازرسی شرایط ساختمان‌ها و از جمله کاربردهای دیگر این هواپیماها حمایت از عملیات جنگی تأمین مواد غذایی و مایحتاج نیروها در مناطق جنگی حمل‌ونقل نیروها و خارج کردن وسایل آسیب‌دیده جنگی است. هواپیماهای بدون سرنشین خصایص مشترک زیادی با نسل جدید دارند، اما کشورهای کمتری فناوری تولید آن را در اختیار دارند. این نسل از هواپیماهای بدون سرنشین مسلح‌اند و برای شلیک بمب و موشک به‌کار می‌روند (نقی‌زاده و هواوندی، ۱۳۹۱: ۶۶).

نتایج

۱. شرح قواعد حقوقی حاکم بر رزم هوایی

در جنگ هوایی همچون دیگر گونه‌های جنگ بر کاربرد سلاح و روش‌های جنگی قواعدی عمومی حاکم است. این قواعد عمومی خط‌مشی کلی کاربرد سلاح و روش‌های جنگی را معین می‌کنند و راهنمای کاربرد هرگونه وسیله و روش جنگی محسوب می‌شوند. این اصول کلی عبارت‌اند از:

۱. اصل رفتار انسانی: چه افراد غیرنظامی و چه کسانی که در صف نیروی دشمن هستند، حق بهره‌مندی از رفتار انسانی را دارند. شاید به نظر بیاید که رفتار انسانی چندان محل طرحی در رزم هوایی ندارد، اما چنین نیست. از سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۹۹، اسناد متعددی مرتبط با قواعد و اصول حاکم بر رزم هوایی شامل تصویب رسیده‌اند که عبارت‌اند از: کنوانسیون ۱۹۲۹ ورشو، پروتکل ۱۹۵۵ لاهه، کنوانسیون ۱۹۶۱ گوادالاخارا، پروتکل ۱۹۷۱ گواتمالا، پروتکل‌های چهارگانه مونترال ۱۹۷۵ و کنوانسیون ۱۹۹۹ مونترال (جباری، ۱۳۸۸: ۴۳). به‌علت وجود کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های متعدد، سند قابل اجرا در قضایای مطروحه گاهی با مشکل مواجه می‌شود. مواردی مانند عدم حمله به هواگرد یا افراد تسلیم‌شده، خودداری از هدف قرار دادن خلبانی که با چتر نجات در حال فرود است، خودداری از حمله به کشتی شکستگان و خودداری از حمله به افراد خارج از حالت رزمی، نمونه‌هایی از مواردی است که اصل رفتار انسانی را با رزم هوایی مربوط می‌کند. باید دانست که این اصل به‌عنوانی اصلی راهنما می‌تواند روش‌نگر سنجش پیامدهای کاربرد تسلیحات و روش‌های جنگی قرار گیرد و از این‌رو نباید آن را صرفاً محدود به نحوه برخورد با غیرنظامیان و اسرا دانست (آنتونی و مالرب، ۱۳۸۲: ۳۴-۳۳).

۲. اصل محدودیت: بوتی (۲۰۰۹) در کتاب خود این‌گونه می‌نویسد که حق طرفین مخاصمه در انتخاب و کاربرد ابزارها و روش‌های جنگی نامحدود نیست. برخی انواع سلاح‌ها به‌طور کامل ممنوع است، اما کاربرد سلاح‌های مجاز هم تحت ضوابط و محدودیت‌های خاصی است. مراد از ابزارهای جنگی، سلاح و سامانه‌های تسلیحاتی و مراد از روش‌های جنگی، نحوه کاربرد آنهاست. برای مثال بمباران شهرها می‌تواند یک روش جنگی به‌حساب آید. این محدودیت هم در بند ۱ ماده ۳۵ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ که اعلام کرد حق طرفین مخاصمه در انتخاب شیوه‌ها یا وسایل جنگی نامحدود نیست و بند ۲ همین ماده نیز اشعار می‌دارد که استفاده از هر سلاح، ماده و شیوه‌ای که به صدمه بیش از حد یا رنج بیهوده منجر می‌شود، ممنوع است (Schindler & Tomarv, 1988: 102) و همین‌طور در بند ۳ مقدمه کنوانسیون در خصوص کاربرد پاره‌ای تسلیحات متعارف (۱۹۸۸) ذکر شده است. در کنوانسیون‌های جدیدتر مربوط به کنترل تسلیحات متعارف مانند کنوانسیون ۱۹۹۷ منع مین ضدنفر که در پاراگراف یا

بند آخر مقدمه بیان می‌دارد که کنوانسیون براساس قوانین بشردوستانه بین‌المللی است و اینکه حقوق طرفین جنگ مسلحانه در انتخاب روش‌ها و ابزارهای جنگ‌افزاری محدود نیست و براساس اصلی است که مانع از درگیری در جنگ‌های مسلحانه است که موجب وارد آمدن رنجش‌های غیرضروری می‌شود و مبتنی بر این اصل است که باید بین غیرنظامیان و نظامیان تفکیک قائل بود (مرکز بین‌المللی مین‌زدایی بشردوستانه ژنو، ۱۵ بهمن ۱۳۹۴) و کنوانسیون ۲۰۰۸ منع مهمات خوشه‌ای این قاعده عمومی به صورت سنگ بنای مهم فکری عمل کرده و تکرار شده است (Nystuen, 2010: 13).

۳. اصل ضرورت نظامی: هر اقدام نظامی باید براساس ضرورت نظامی و دارای توجیه نظامی باشد. از همین رو اصل محدودیت یکی از استواری‌های خود را در همین اصل ضرورت می‌یابد. حمله به اهدافی که اصابتشان ضرورت رزمی ندارد، ممنوع است. ماده ۲۳ مقررات لاهه انهدام اموال دشمن را تابعی از ضرورت نظامی قرار می‌دهد. اصل ضرورت در پیوند با اصل محدودیت، استفاده از سلاح‌هایی را که آسیب غیرضروری یا جراحت بیش از حد نیاز ایجاد می‌کنند، ممنوع می‌کند. مقدمه اعلامیه سن پترزبورگ (۱۸۶۸) و بند ۲ ماده ۳۵ پروتکل اول ژنو این اصل مهم را بیان کرده‌اند. پاراگراف ۲۰ بند «ب» ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نقض این اصل را مطابق شروط و تعریف خود به منزله ارتکاب به جنایت جنگی محسوب کرده است. ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی ژنو به اهداف مشروع نظامی اختصاص دارد که هدف قراردادن می‌تواند تابعی از ضرورت نظامی تلقی شود. هرچند بحث در خصوص این ضرورت، پرمناقشه باقی مانده است که به تعهد تصمیم‌گیران نظامی و سیاسی وابسته است تا استواری قواعد.

۴. اصل تفکیک: غیر از نیروی نظامی دشمن یا غیرنظامیان که مستقیماً در محاصره شرکت می‌کنند، نباید فرد غیرنظامی را هدف قرار داد. بین هدف نظامی و رزمی با هدف غیرنظامی و غیررزمی تفکیک در نظر گرفته شده و حمله به دسته دوم ممنوع است. حمله بدون تفکیک، حمله‌ای است که سه شرط داشته باشد: اولاً با هدف تحقق مقصود نظامی معین صورت نگیرد؛ ثانیاً الزامات و محدودیت‌های حقوق جنگ و حقوق بشردوستانه در آن رعایت نشود یا قابل رعایت نباشد و ثالثاً کاربرد روش یا سلاح بدون تفکیک، به‌عنوان روشی برای کسب نتیجه نظامی معین پنداشته نشود. بند ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز نقض اصل تفکیک را به‌مثابه جنایت جنگی معرفی کرده است. نکته‌ای که در مورد جنگ هوایی و در خصوص اصل ضرورت گفتیم، در مورد اصل تفکیک هم به میزان بیشتری قابل طرح است. جنگ هوایی، بسیار بیش از جنگ زمینی یا دریایی دسترسی به عمق خاک دشمن و مناطق کاملاً دور از میدان جنگ مستقیم را می‌دهد و از همین رو، رعایت تفکیک در آن، بسیار سخت‌تر و البته مهم‌تر از جنگ زمینی یا دریایی است.

۵. اصل تناسب: اصل تناسب با اصول ضرورت، محدودیت، تفکیک و رفتار انسانی ارتباط مستحکمی دارد. بر این اساس هنگام حمله به اهداف نظامی، غیرنظامیان و اموال آنها باید تا حد

مقدور محفوظ بمانند و به عبارت دیگر میان مزیت نظامی مدنظر، از انجام عملیات نظامی و صدمات جانبی حاصل از آن، باید تناسبی برقرار شود. اصل تناسب در دفاع از حقوق داخلی به حقوق مخاصمات مسلحانه راه یافته است. در خصوص اصل تناسب و مفهوم آن بحث و عدم توافق بسیار وجود دارد. برای مثال دولت‌هایی مانند اسرائیل، از آن‌رو که راهبرد خود را بر مبنای «تلافی وسیع» قرار داده‌اند، هر حمله به خود را به میزانی چند برابر پاسخ می‌دهند و هدف نظامی را بدون در نظر گرفتن تلفات غیرنظامی و آسیب‌های جانبی جست‌وجو می‌کنند که آشکارا اقدامی نامشروع است (ساعد، ۱۳۸۹: ۱۷). کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در یک برنامه پژوهشی خود میزان غیرمتناسب آسیب نظامی وارده را دارای چهار شرط معرفی می‌کند؛ اول ایجاد بیماری‌های خاص کند یا وضعیت غیرعادی روانی یا جسمی و فیزیولوژیک پدید آورد یا نواقص جسمی خاص و دائمی یا تغییر شکل و صورت انسان را موجب شود؛ ثانیاً تلفات میدان نبرد را به بیش از ۲۵ درصد کل نیروی شرکت‌کننده و تلفات در بیمارستان‌ها را به بیش از ۵ درصد افزایش دهد؛ ثالثاً مجروحیت بیشتر از درجه سه شکل رایج آسیب‌دیدگی‌ها باشد؛ رابعاً آسیب‌هایی ایجاد شود که بدون درمان مشخص و مورد تأیید باشند. از سوی دیگر، عملیات هوایی با مسئله تناسب، به طرز بغرنجی روبه‌روست، زیرا برای مثال هدف قرار دادن هواگرد ناشناس که هویتش را اعلام نکرده، موجب سرنگونی و مرگ همه سرنشینانش می‌شود یا اینکه هدف قرار دادن یک کشتی یا زیردریایی هیچ امکانی برای نجات سرنشینانش باقی نمی‌گذارد؛ برخلاف کشتی جنگی که اگر این کار را انجام دهد، دست‌کم قادر به نجات برخی از آنها یا به اسارت گرفتنشان است.

۶. اصل حفاظت از محیط زیست: در جریان عملیات نظامی و کاربرد سلاح‌ها و روش‌های جنگی، طرفین نباید دست به اقداماتی بزنند که موجب تخریب محیط زیست شود. بند ۳ ماده ۳۵ پروتکل اول الحاقی کنوانسیون‌های ژنو کاربرد روش‌ها و ابزار جنگی را که هدف از آنها خسارت گسترده، پایدار و شدید در محیط زیست طبیعی است یا احتمال دارد چنین خساراتی را وارد کند، ممنوع می‌کند. بند ۱ ماده ۵۵ این پروتکل نیز مقررۀ مشابهی دارد. حمله به تأسیسات و ساختمان‌های حاوی مواد خطرناک (ماده ۵۶ پروتکل اول الحاقی) هم بر همین اساس ممنوع شده است (لطفی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱). حملات هوایی به سبب توان ایجاد آسیب شدیدتر و نیز وصول به اهداف حساس و حفاظت‌شده‌ای که به‌عمد از مرزها دور نگه داشته می‌شوند، رویارویی بیشتری با این قاعده دارد.

مجموعه این قواعد عمومی حقوق مخاصمات مسلحانه در رابطه با جنگ هوایی علاوه بر آنکه صادق است، بیان و تفسیر خاص خود را نیز پیدا می‌کند. جنگ هوا به زمین به سبب آنکه حیطة نبرد را از قسمت رودررویی مستقیم طرفین مخاصمه به پشت جبهه نبرد می‌برد و می‌تواند بخش رزمی اما غیرنظامی دشمن را هدف قرار دهد، از حیث رعایت اصل تفکیک،

تناسب و ضرورت و نیز سایر اصول که شرح دادیم، در موقعیت حساس تری قرار دارد. اگرچه در گذشته بمباران‌هایی به شیوه کور، غیرهدایت‌شونده و در ارتفاع بالا یا شبانه معمول بود و عملاً اصل تفکیک را بی‌معنا ساخته بود، اما امروزه پیشرفت‌های رخ داده در سامانه‌های هدف‌گیری جنگنده‌ها، رعایت اصل تفکیک را بسیار ساده‌تر و مهیاتر ساخته است. با این حال، بسیاری از دولت‌ها همچنان از بمباران غیرهدفمند، به‌عمد یا به‌سبب هزینه‌بر بودن خودداری کرده‌اند. بمباران فرشی به‌سبب درنظر نگرفتن اصل تفکیک با آنکه آشکارا مغایر با اصول حقوق بشردوستانه به‌نظر می‌آید، گاه همچنان از سوی برخی کشورها استفاده می‌شود. این بمباران به این شکل صورت می‌گیرد که تعداد زیادی هواپیمای بمب‌افکن تمام یک منطقه را با بمباران هوایی درو و نابود کنند، بدون آنکه تفکیکی میان اهداف صورت بگیرد. فراتر از آن این روش آشکارا گونه‌ای از رقم زدن نابودی جمعی است (Gómez, 1988: 347).

اگرچه پیشرفت فنی دقت در اصابت مهمات هوای را افزایش داده و تشخیص اهداف هم بسیار ساده‌تر شده است، اما صدمات غیرنظامی رخ داده همچنان عظیم و قابل توجه هستند. به‌جز قدرت بسیار زیاد مهمات هوای باید علت مسئله را در جای دیگری جست‌وجو کرد. نبرد از راه دور در جنگ هوایی به وجه غالب جنگ هوایی در انواع مختلف آن بدل شده است. مختصات هدف روی صفحه نمایشگر نمایش داده شده و سپس مهمات استفاده می‌شود. هدف قرار دادن بسیاری از هواپیماهای مسافربری در مواردی که غیرعمدی بود، به همین سبب رخ می‌داد که شناسایی مرئی هدف صورت نمی‌گرفت. بمب‌های هواپرتاب که براساس مختصات جغرافیایی با هدایت ماهواره‌ای شلیک می‌شوند، درکی از وضعیت صحنه هدف‌گیری ندارند. اجتناب از پدافند دشمن بهانه‌ای برای خودداری از تماس مرئی دقیق است. از مجموع نکات مزبور و اصول عمومی حاکم بر حقوق مخاصمات مسلحانه باید این جمع‌بندی را ارائه کرد رعایت اصول عمومی مورد اشاره در اینجا در خصوص جنگ هوایی، دشواری بیشتری برای رعایت دارد؛ ضریب اشتباهات بسیار زیاد است، البته کوشش برای سلب مسئولیت از جانب خاطیان به بهانه اقدامات غیرعمدی، به‌سادگی و سهولت بیشتری قابل انجام است.

۲. قواعد استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در نبردهای هوایی

هواپیمای بدون سرنشین یا همان پهپاد عبارت است از پرنده هدایت‌پذیر از دور یا به‌نوعی هواگرد هدایت‌پذیر از راه دور بی‌خلبان. به‌طور کلی هواپیماهای بدون سرنشین را می‌توان به پنج کلاس شامل میکرو پهپادها، مینی پهپادها، پهپادهای تاکتیکی و هال تقسیم کرد (Saxena, 2013: 6). که هر کدام استفاده‌هایی دارند و در اینجا سعی شده است به برخی قواعد حقوقی حاکم بر آنها پرداخته شود.

در خصوص مشروعیت استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین برخی معتقدند که غیر از مقررات عام یعنی کنوانسیون (۱۹۴۴) شیکاگو در مورد هواپیمایی بین‌المللی کشوری و قواعد امره حقوق بین‌الملل عرفی مثل اصل احترام به حاکمیت و تمامیت سرزمینی دولت‌ها مقررات خاصی که وضعیت مشروعیت یا ممنوعیت هواپیماهای بدون سرنشین را در زمان درگیری‌های مسلحانه مشخص کند، وجود ندارد. با این حال با استفاده از اصول بنیادین حقوق بشردوستانه از جمله اصل تفکیک، اصل تناسب، اصل ممنوعیت حملات کورکورانه و اصل رعایت احتیاط در حملات می‌توان به ممنوعیت کاربرد این هواپیماها به‌خصوص هواپیماهای بدون سرنشین مسلح، پی برد. در ضمن اینکه هیچ ضرورت نظامی (حتی مبرم) نمی‌تواند استفاده از این هواپیماها را در درگیری‌های مسلحانه توجیه کند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۲۶۴)

شایان ذکر است که بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده آمریکا در راستای پیشبرد هدف مبارزه با تروریست به افغانستان حمله کرد و ارتش آمریکا و سیا بارها به بخش‌های شرقی پاکستان حمله و اقدام به کشتار هدفمند اعضای طالبان و القاعده با استفاده گسترده از هواپیماهای بدون سرنشین کرد. به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، این تاکتیک (کشتار هدفمند با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین) تا به امروز تاکتیکی مناسب و موفق در مبارزه با تروریست قلمداد شده است، به طوری که تنها در سال ۲۰۰۴، ۳۲ عضو القاعده به همین روش کشته شدند. آمریکا تاکنون موفق به کشتن حدود ۱۰۶۰ تا ۱۷۰۰ عضو طالبان، القاعده و اعضای گروه‌های مرتبط با آنها شده است (Bergen & Tiedemanni, 2013: 385).

شاید بتوان استدلال کرد که استفاده از این هواپیماهای بدون سرنشین در مخاصمات مسلحانه به علت استفاده از دوربین‌های حساس و دقیق که به کاهش تلفات غیرنظامیان در زمان جنگ منجر می‌شود، با حقوق بین‌الملل ناظر بر مخاصمات مسلحانه مطابقت دارد (O,Connell, 2010: 2). اصولاً مبنای استفاده از این هواپیما در زمان صلح رضایت کشوری است که هواپیما بر فراز آن پرواز می‌کند. فیلیپ استون گزارشگر ویژه سازمان ملل اشاره کرده است که استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در حالی که هیچ درگیری مسلحانه‌ای وجود ندارد، هیچ‌گاه قانونی به‌شمار نمی‌رود (Report of the Special Rapporteur on Extrajudicial, 2010: para 85).

در خصوص قواعد کلی برای استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین باید به بررسی مجموعه مقررات حقوقی ناظر بر آنها در قالب حقوق بشردوستانه بپردازیم. در خصوص انتخاب ابزارهای نبرد در بند ۱ ماده ۳۵ پروتکل اول الحاقی منضم به عهدنامه‌های چهارگانه ژنو آمده است که طرف‌های مخاصمه در انتخاب شیوه‌ها و وسایل جنگی در هیچ مخاصمه مسلحانه‌ای نامحدود نیست و در ماده ۵۲ پروتکل اول تکمیل شده طبق این ماده استفاده از ابزار جنگی و تسلیحاتی که به ایراد حملات کور نسبت به غیرنظامیان منجر شود، ممنوع است. با وجود این اصول اساسی در حقوق بشردوستانه بین‌المللی وجود دارند که باید در استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین از آنها استفاده کرد که اهم آنها بدین شرح است:

اصل اول) اصل قانونی بودن هدف که همان اصل تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی است. این مسئله میانی قانونی، که برای هر سلاح به طور یکسان به کار گرفته می شود، می گوید که کاربرد سلاح باید براساس قواعد حقوق بشردوستانه باشد (Report of the Special Rapporteur on Extrajudicial, 2010: para 6). اولین مانعی که در ارتباط با هواپیماهای بدون سرنشین باید بر آن غلبه کرد، وضعیت یک هدف است. ماده ۴۸ پروتکل اول الحاقی اصول تمایز را مشخص می کند. یکی از این اصول منعکس کننده قانون بین الملل یا بشردوستانه موسوم به دادگاه بین المللی بیان می کند که همواره باید طرفین درگیر را از جمعیت غیرنظامی تفکیک کرد. همچنین باید بین اهداف غیرنظامی و اهداف نظامی که در عملیات هدف قرار می گیرند، تمایز قائل شد. هیچ تفاوتی بین هواپیماهای بدون سرنشین و دیگر ابزارهای عملیاتی در زمینه تبعیت از این قانون وجود ندارد. اهداف هنگامی که به عنوان هدف نظامی شناسایی شدند، باید مورد حمله قرار گیرند. بند ۲ ماده ۵۲ پروتکل الحاقی می گوید: اهداف نظامی به اهدافی محدود می شوند که براساس ماهیت، موقعیت، هدف یا کاربرد نقش زیادی در عملیات نظامی دارند و تخریب ناقص یا کامل آنها بازداشت یا خنثی سازی در زمان مناسب، یک مزیت قطعی نظامی در پی دارد. مهم ترین نکته در استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در عملیات معاصر، هدف قرار دادن ساختمان ها، خودروها، پل ها و سامانه های ارتباطی است که در اصل ماهیت غیرنظامی دارند که زمانی دشمن از آنها استفاده کند، به عنوان اهداف قانونی منظور شده و در مجموع هدف نظامی محسوب می شوند (میشل، ۲۰۱۳: ۶۱۰).

اصل دوم) اصل قابل اعمال دیگر، اتخاذ اقدامات احتیاطی است. قوانین بین الملل بشردوستانه اتخاذ اقدامات احتیاطی قبل از حمله را برای به حداقل رساندن آسیب ها به غیرنظامیان اجباری می کند. الزامات دقیق در ماده ۵۷ پروتکل اول الحاقی مشخص شده اند که در بیشتر قسمت ها منعکس کننده قوانین بشردوستانه بین المللی است که هم برای نبردهای مسلحانه بین المللی و هم غیربین المللی کاربرد دارد. از مواردی که ارتباط زیادی با هواپیماهای بدون سرنشین دارند، الزامات مربوط به انجام تمام اقدامات امکان پذیر برای تأیید این موضوع است که اهدافی که به آن حمله می شوند، اهداف نظامی اند نه اهداف غیرنظامی که حفاظت خاصی برای آن قائل شده اند. همچنین باید تمام اقدامات احتیاطی لازم در انتخاب ابزارها و روش های حمله با در نظر گرفتن به حداقل رساندن آسیب های دوطرفه انجام گیرد. همچنین در صورتی که مشخص شود هدف نظامی نیست یا حفاظت خاصی برای آن وجود ندارد یا اینکه حمله ممکن است از قوانین نسبت تخطی کند، باید آن را به حالت تعلیق درآورد یا لغو کرد (تقی زاده و هواوندی، ۱۳۹۱: ۸۳).

اقدامات احتیاطی امکان پذیر اقداماتی هستند که با توجه به تمام شرایط حاکم بر زمان از جمله ملاحظات نظامی عملی بوده یا از لحاظ عملی قابل اجرا باشد. در استفاده از هواپیماهای

بدون سرنشین این کار مستلزم بهره‌برداری کامل از حسگرهایی است که روی هواپیما سوار شده‌اند. همچنین تا شناسایی کامل هدف، باید هواپیما به‌طور کامل روی هدف پرواز کند، به این ترتیب احتمال اشتباه در حملات به‌شدت کاهش می‌یابد. عبارت دولت‌ها و ابزارها در ماده ۵۷ به سلاح‌ها و تاکتیک‌ها اشاره دارد. ابزارها شامل سلاح‌هایی است که روی هواپیما نصب شده‌اند و روش‌ها شامل تکنیک قابل استفاده با هواپیما و همچنین تعیین هدف روی زمین، حملات شبانه و روزانه و ... است. براساس الزامات روش‌ها و ابزارها باید به‌گونه‌ای انتخاب شوند که آسیب‌های وارده به غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی به حداقل ممکن برسد. موضوع دیگر اینکه آیا هواپیمای بدون سرنشین می‌تواند سیستم دیگری را برای حمله انتخاب کند، البته این در جایی امکان دارد که گزینه دیگری برای انتخاب وجود داشته باشد. استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در برابر دیگر ابزارهای انجام حملات مانند هواپیمای سرنشین‌دار، توپخانه یا عملیات زمینی است. از آنجا که حسگرهای هواپیماهای بدون سرنشین حساسیت زیادی دارند، می‌توانند هدف را برای دوره‌ای طولانی زیر نظر بگیرند، از سلاح‌هایی دقیق استفاده کنند. و چون کارکرد این هواپیما تحت تأثیر حرارت نبرد قرار نمی‌گیرد، اغلب ریسک کمتری در ارتباط با وارد شدن آسیب به غیرنظامیان در پی دارد. به‌طور معمول مرکز نظارت بر عملیات یک هدف را در ناحیه‌ای پرجمعیت ساعات طولانی زیر نظر می‌گیرد و آنقدر منتظر می‌ماند که هدف از افراد و اشیای غیرنظامی فاصله بگیرد تا آنجایی که انجام کار از نظر نظامی امکان‌پذیر باشد (پرتو، ۱۳۹۳: ۶۳).

اصل سوم) اصل تناسب، بدین‌معنا که حمله‌ای که در شرایط یادشده و با علم به این مسئله صورت می‌گیرد که در صورت وقوع حمله، جان غیرنظامیان در خطر می‌افتد و اموال و اشیای غیرنظامی آسیب و صدمه می‌بیند و نتیجه حاصل از حمله با مزیت و منافع نظامی مستقیمی که از این انتظار می‌رفته در تناسب نباشد، از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه ممنوع و نامشروع است. در حقیقت هنگامی که اصل تناسب در حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطرح می‌شود، نوع سلاح یا تسلیحات مورد استفاده در حمله، اهمیت ندارد، بلکه مسئله حائز اهمیت، میزان خسارت و صدمه‌ای است که به جان و اموال غیرنظامیان وارد شده و نسبی فراتر از منافع جنگی است که از حمله انتظار می‌رفته است. در این فرض حمله یادشده نامشروع بوده و اصل تناسب در آن رعایت نشده است. حملاتی که توسط هواپیماهای بدون سرنشین انجام می‌گیرد، ممکن است با اصل تناسب در تناقض قرار گیرد، بدین‌معنا که نتایج حمله با میزان منافع نظامی که طرف مخاصمه می‌توانسته به‌دست آورد، متناسب نباشد و از آن فراتر رود، به‌نحوی که به کشتار بی‌دلیل غیرنظامیان بینجامد، مثلاً حتی در صورتی که حملات آمریکا به افغانستان برای مبارزه با تروریست را درگیری مسلحانه و مشمول مقررات حقوق بشردوستانه بدانیم، مواد نقض جدی حقوق غیرنظامیان در جریان حملات هواپیماهای بدون سرنشین به‌تنهایی حکایت از نقض مقررات حاکم بر مخاصمات مسلحانه و به‌عبارتی حقوق بشردوستانه دارد (ضیایی

بیگدلی، ۱۳۹۲: ۱۴۱). نبرد هوایی، نبردی است که از جنگ‌افزارهای هوایی در عرصه جنگ که همان فضای بالای سرزمین‌های متخاصمان است، استفاده کنند. زمانی که جنگ‌های هوایی به‌وقوع می‌پیوندند، آنچه باید هدف حملات هوایی قرار گیرد، اشیاء، افراد و مکان‌های نظامی‌اند. همان‌گونه که ماده ۲ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون ژنو بیان کرده است، اموال غیرنظامی نباید هدف حمله قرار گیرند. همان‌طور که مشاهده شد، دولت‌ها به‌منظور پیشبرد اهداف نظامی خود مختار به استفاده از هر نوع جنگ‌افزاری در نبردهای هوایی نیستند و باید در خصوص این مسئله مهم قواعد عرفی و قراردادی موجود را محترم بشمارند و آنها را رعایت کنند.

دولت‌ها در استفاده از جنگ‌افزارهای هوایی در طول نبرد موظف‌اند در درجه اول برای حمله به هدف موردنظر خود، به یقین برسند که هدفی را که دولت مهاجم در پی نابودی آن است، هدف نظامی تلقی می‌شود و برای آنها مزیت نظامی در پی دارد. از سوی دیگر، برای حمله از سلاح‌هایی استفاده کنند که حداقل آسیب جانبی را بعد از حمله به‌بار آورد و محدود به اهداف نظامی شود؛ با توجه به اینکه این سلاح‌ها بعضاً از حساسیت و دقت زیادی در گزینش اهداف خود برخوردارند که استفاده از آنها در چارچوب قواعد بشردوستانه بین‌المللی می‌تواند در حفاظت از افراد و اشیای غیرنظامی کمک شایانی کند.

۳. موارد استفاده هواپیماهای بدون سرنشین در نبردهای هوایی

اولین هواپیماهای بدون سرنشین که به تولید انبوه رسید، در سال ۱۹۴۱ توسط رینالدینی^۱ ساخته شد و پس از آن نیروهای ناتو در جنگ بالکان، ارتش آمریکا در جنگ ۱۹۹۰ خلیج فارس و نیروهای ناتو در مبارزات خود علیه صرب‌های بوسنیایی در ۱۹۹۵ و اسرائیل در جنگ ۱۹۸۲ با لبنان (Daly, 2010: 379) از این هواپیماها البته به‌منظور شناسایی استفاده کردند.

در سال ۱۹۹۸ دولت «بیل کلینتون» رئیس‌جمهور وقت آمریکا، عملیات پیدا کردن مخفیگاه بن‌لادن را با استفاده از موشک‌های کروز، که خسارات جانبی بالغ بر ۳۰۰ نفر زخمی بر جای گذاشته بود و تنها نزدیک به ۵۰ درصد از انتظارات عملیات اطلاعاتی را محقق کرده بود، متوقف کرد. بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۱، نیروی هوایی آمریکا تلاش کرد قابلیت موشک‌های ضد تانک را روی هواپیماهای بدون سرنشین که با اهداف جاسوسی استفاده می‌شدند، اعمال کند. شورای امنیت ملی سازمان ملل متحد نیز در نشست خود یک هفته پیش از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، با استقرار هواپیماهای بدون سرنشین در عملیات جاسوسی موافقت کرد. نخستین بار در نوامبر ۲۰۰۱، «محمد اتف» از فرماندهان ارشد القاعده افغانستان، به‌وسیله هواپیماهای بدون سرنشین نظامی آمریکا کشته شد (فلک، ۱۳۹۱: ۲۳۷).

در سال ۲۰۰۰ ایالات متحده خود را برای کاربردی کاملاً جدید از این ابزارها به‌عنوان ابزار پرتاب موشک آماده می‌کرد. هواپیماهایی با چنین قابلیت‌هایی در اوایل اکتبر ۲۰۰۱ در افغانستان به کار برده شد و در ۳ نوامبر ۲۰۰۳ مأموران سازمان سیا به‌وسیلهٔ هواپیماهای بدون سرنشین، موشک‌های هلکفایر^۱ مجهز به لیزر را به وسیلهٔ نقلیه‌ای در عبور یمن شلیک کردند و تمام سرنشینان آن از جمله یک شیعهٔ آمریکایی را به قتل رساندند (Mary & Comell, 2010: 3). در طول تهاجم به عراق که در سال ۲۰۰۲ آغاز شد، ایالات متحده پیوسته از هواپیماهای بدون سرنشین شناسایی و تهاجمی استفاده می‌کرد که این اقدامات همراستا با عملیات نظامی در سال ۲۰۰۹ پایان یافت. ایالات متحده در سال ۲۰۰۴ به استفاده از این هواپیماها در پاکستان روی آورد. شمار این حملات در سال ۲۰۰۸ به‌طور چشمگیری افزایش یافت و در سال ۲۰۰۹ به اوج خود رسید (Report of the Special Rapporteur, 2010).

در ۴ دسامبر ۲۰۱۱، هواپیمای جاسوسی بدون سرنشین آمریکا با نام نظامی آر کیو-۱۷۰، در ایران سقوط کرد؛ مقام‌های آمریکایی علت این سقوط را نقص نامشخصی در سیستم هواپیما، قطع ارتباط با مرکز داده‌ها و رهگیری آن از سوی مراکز اطلاعاتی ایران دانستند. دو هفته پس از آن هواپیمای دیگر بدون سرنشین غیرنظامی آمریکا در انتهای باند مسیر خود در جزیرهٔ «سیشل» در اقیانوس هند سقوط کرد. در طول دههٔ گذشته هواپیماهای بدون سرنشین، در بسیاری از عملیات نظامی در عراق، افغانستان و لیبی حضور داشته‌اند. در میان این حملات، ۹۵ درصد از میزان حضور این هواپیماها در پاکستان و مابقی در بیشتر در یمن و سومالی بوده است و در مجموع این هواپیماها به کشته شدن بیش از دو هزار نفر از افراد مشکوک به شبه‌نظامی و عضویت در گروه‌های تروریستی و تعداد زیادی از غیرنظامیان منجر شدند. پنتاگون در حال حاضر دارای ناوگانی در حدود هفت هزار و پانصد هواپیمای بدون سرنشین است، در حالی که این آمار در دههٔ پیش تنها ۵۰ فروند از این نوع هواپیما بوده است. پنتاگون در نظر دارد در دههٔ آینده تعداد هواپیماهای بدون سرنشین چندمنظورهٔ خود با قابلیت اصابت ضربه و جاسوسی را نزدیک به چهار برابر و به تعداد ۵۳۶ فروند افزایش دهد (Charting the (Data for US Airstrikes in Pakistan, 2004-2010, Long war J

۴. تحلیل حقوق هواپیماهای بدون سرنشین در حقوق بین‌الملل

پیشرفت تمدن در قرن بیست‌ویکم در حال رونمایی از شکل دیگری از سلاح‌های پرندهٔ نظامی است. هواپیماهای بدون سرنشین مصداق بارز آنها هستند و این موضوع سؤالاتی را در زمینهٔ حقوق و تکالیف کشورها ایجاد می‌کند که حقوق بین‌الملل محل پاسخ دادن به آنهاست.

1. Helfire

در پاسخ به این پرسش که آیا ظهور پدیده هواپیماهای بدون سرنشین تأثیری در شکل‌گیری و تغییر قواعد حقوقی داشته است، می‌توان گفت که پیشرفت فناوری در زمینه‌های مختلف به پدید آمدن مسائل حقوقی مربوط به آن منجر می‌شود، چراکه فناوری بر حقوق تأثیر می‌گذارد و به‌مثابه دستی ناپیدا آن را تغییر می‌دهد. نمونه بارز فناوری که به این مسائل منجر شده است، به‌کارگیری هواپیماهای بدون سرنشین یا همان پهپاد است. مهم‌ترین عامل تمایزدهنده این هواپیما از سایر وسایل پرنده آن است که فاقد سرنشین است و به دو شکل کنترل از راه دور یا طبق برنامه رایانه‌ای کنترل می‌شود. این هواپیماها قابلیت‌های متعددی دارند که اغلب شامل فعالیت‌های سنجش از دور، نظارت و شناسایی برای مقاصد تجاری، اکتشاف نفت و گاز، حمل‌ونقل پژوهش‌های علمی، جست‌وجو و نجات، شناسایی نظامی و حملات مسلحانه می‌شود که اغلب این دو مورد اخیر سبب بروز مسائل حقوقی شده است. نسل اول این هواپیماها که از دیرباز استفاده می‌شد، برای عملیات شناسایی به‌کار می‌رفت، ولی با پیشرفت فناوری این هواپیماها کاربردهای جدیدی پیدا کرده‌اند و به تسلیحات مجهزند. این هواپیماها در مناطق مختلف استفاده شده‌اند، از جمله در جنگ ویتنام در دهه ۵۰ میلادی، در جنگ‌های خلیج‌فارس و بالکان در دهه ۹۰ میلادی و در عراق، افغانستان، پاکستان، جیبوتی و سومالی در دهه اول هزاره سوم میلادی و اغلب توسط ایالات متحده آمریکا استفاده شده است. اما به‌طور مشخص، نکته مهم اینکه به‌نظر می‌رسد که بیشترین حجم پروازهای هواپیماهای بدون سرنشین در پاکستان و از سال ۲۰۰۴ آغاز شده و هر سال رو به افزایش است.

در پاسخ به پرسشی که مطرح می‌کند که آیا استفاده از این پرنده‌ها به‌خودی‌خود نقض حقوق بین‌الملل است یا خیر؟ مکرمی قرطاول و رنجبریان (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان «نقض حریم هوایی کشورها از طریق پهپادهای آمریکایی (مطالعه موردی: پاکستان)» بیان کردند که به‌کارگیری پهپادها موجب می‌شود که عده زیادی از مردم غیرنظامی کشته و زخمی و اماکن عمومی تخریب شود. استفاده از این پرنده‌ها در حملات اغلب غیرمشروع، نقض صریح حقوق بین‌الملل، منشور ملل متحد و موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بوده است (مکرمی قرطاول و رنجبریان، ۱۳۹۶: ۳۰۳). به‌طور کلی صرف‌نظر از ملاحظات حقوق داخلی و دغدغه‌های مختلف امنیت ملی، موضوع هواپیماهای بدون سرنشین به لحاظ بین‌المللی مسائل حقوقی مختلفی را مطرح می‌کند و تابع شاخه‌های مختلف حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بین‌الملل هوایی، حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. از ویژگی‌هایی که حقوق هوایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اعمال حاکمیت دولت‌ها به‌مثابه قدرت عالی و برتر در وضع قوانین داخلی است که با جنبه بین‌المللی هوانوردی در تعارض است، یعنی دولت‌ها با اعمال حاکمیت خود، مقررات مربوط را در چارچوب حقوق داخلی وضع می‌کنند، درحالی‌که هواپیما به‌دلیل سرعت زیاد، مرزها را درمی‌نوردد و وارد قلمرو و حریم کشورهای دیگر می‌شود. از این‌رو، مسائل مربوط به آن طبیعتاً ابعاد بین‌المللی پیدا می‌کند.

مهم‌ترین سند بین‌المللی حاکم بر فعالیت‌های هوانوردی، کنوانسیون هواپیمایی کشوری بین‌المللی شیکاگو مصوب ۱۹۴۴ است. طبق این معاهده، بر حاکمیت کامل و انحصاری هر کشوری بر قلمرو هوایی خود تأکید شده است و هر کشوری برای اتخاذ هر تصمیم دربارهٔ هواپیماهای خارجی در قلمرو کشور خود صلاحیت دارد. قلمرو یک کشور عبارت است از مناطق زمینی و آب‌های ساحلی متصل به آن که تحت حاکمیت آن کشور قرار دارد. علاوه بر این، هر کشوری حق دارد به لحاظ نظامی یا امنیتی، پرواز هواپیماهای سایر کشورها را در پاره‌ای از قلمرو خود محدود یا ممنوع کند. البته کنوانسیون شیکاگو میان هواپیماهای کشوری و دولتی تفکیک برقرار می‌کند و فقط نسبت به هواپیماهای کشوری تسری دارد.

بند «ب» مادهٔ ۳ کنوانسیون شیکاگو اشعار می‌دارد: هواپیمای به‌کار گرفته‌شده در ارتش، گمرک و پلیس هواپیمایی دولتی است، البته این فهرست تمثیلی است و حصری نیست. هواپیماهای نقشه‌برداری، تشریفات، خدمات، پزشکی، نجات و مانند آن نیز دولتی به‌شمار می‌رود. بی‌تردید، هواپیماهای بدون سرنشین از آن نوعی که به فعالیت‌های شناسایی نظامی و حملات تهاجمی مبادرت می‌ورزند، در زمرهٔ هواپیماهای دولتی محسوب شده و طبیعتاً کنوانسیون شیکاگو در مورد آنها اعمال نمی‌شود. وضعیت هواپیماهای نظامی و دولتی توسط حقوق بین‌الملل به‌خوبی تعیین نشده و تنها جنبه‌هایی از آن در بخش‌هایی از اسناد بین‌المللی درج شده است. رویهٔ کشورها در این زمینه واضح و گویا نیست. همچنین به وضعیت هواپیمای نظامی در زمان جنگ بیشتر توجه شده تا در زمان صلح. کشورها اصولاً نسبت به اینکه هواپیماهای نظامی خود که نماد حاکمیت تلقی می‌شوند، تحت ضوابط بین‌المللی قرار گیرند، بی‌میل بوده‌اند؛ ضمن آنکه هوانوردی همواره ابزاری برای فعالیت‌های نظامی بوده است. کنوانسیون شیکاگو در مورد هواپیماهای دولتی اعمال نمی‌شود که شامل هواپیماهای نظامی نیز است. بنابراین هواپیماهای بدون سرنشین بدون اجازهٔ صریح دولت مربوطه مجاز به پرواز بر فراز یا فرود در قلمرو حاکمیت خارجی نیست. آنان می‌توانند با مجوز خاص و مطابق با مفاد آن پرواز کنند. رویهٔ دولتی حاکی از آن است که این مجوز در قالب موافقت‌نامه‌های دوجانبه یا چندجانبه یا مجوز موردی از طریق مجاری دیپلماتیک حاصل می‌شود. بنابراین، پرواز هواپیماهای بدون خلبان بر فراز خاک هریک از کشورها بدون تحصیل اجازهٔ مخصوص و رعایت نکات مندرج در اجازه‌نامهٔ مزبور مجاز نیست. در پاسخ به پرسشی که بیان می‌کند اگر هواپیمای بدون سرنشین بدون اجازه وارد حریم هوایی کشوری شود، کشور مقصد چه می‌تواند انجام دهد؟ می‌توان گفت که اگر هواپیمای بدون سرنشین بدون اجازه وارد حریم هوایی کشوری شود، چنین هواپیمایی را می‌توان به‌منظور شناسایی متوقف و آن را وادار به ترک حریم هوایی از طریق مسیر هوایی مشخص کرد؛ به‌منظور تحقیقات یا تعقیب قضایی برای فرود هدایت کرد؛ یا به‌منظور تحقیقات یا تعقیب وادار به فرود کرد. در این زمینه کشور متبوع هواپیما مسئولیت

دارد با وجود این ماهیت و شدت مسئولیت بسته به روابط کلی کشور مربوط می‌تواند از عذرخواهی تا محاکمه اشخاص مسئول و تعهد به عدم تکرار یا توقیف هواپیما یا دستگیری هدایت‌کنندگان آن باشد یا تحت ماده ۵۱ منشور ملل متحد و اصل دفاع مشروع آن را ساقط کند، چون مقوله تجاوز محقق شده است.

نگرش حقوق بین‌الملل در خصوص استفاده از این نوع هواپیماها چگونه است؟ در کنوانسیون شیکاگو کاربرد هواپیماهای بدون سرنشین حامل سلاح، از حمایت کافی در حقوق بین‌الملل برخوردار نیستند و استفاده از این تسلیحات در زمان صلح مغایر با حقوق بشر بین‌الملل است و حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل استفاده تبعیض‌آمیز از هواپیماهای بدون سرنشین را جایز نمی‌دانند.

آیا در حقوق بین‌الملل موازینی وجود دارد که استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین را تجویز کرده باشد؟ اصولاً مبنای استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در زمان صلح، رضایت کشوری است که هواپیما بر فراز آن پرواز می‌کند. با وجود این قواعد کلی حقوق بین‌الملل، از جمله رعایت قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل بشر از جمله ممنوعیت سلب خودسرانه حیات و حق به حریم خصوصی در مورد این هواپیماها اعمال می‌شود و در زمان جنگ نیز استفاده از آنها تابع مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. به هر روی به نظر می‌رسد که توسل به این هواپیماها به‌ویژه کاربرد تهاجمی آن در قالب اجرای حقوق در زمان صلح بسیار محدود است. به‌ویژه آنکه ممنوعیت سلب حیات در چارچوب اسناد حقوق بشری این کاربردها را محدود می‌کند. به نظر می‌رسد که شاید مجوز اصلی برای عملیات هواپیماهای بدون سرنشین در عملیات شناسایی و تجسس باشد. لیکن هنگام مخاصمه مسلحانه کاربرد هواپیماهای بدون سرنشین تابع مقررات حاکم بر حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. با توجه به تجربه کاربرد این هواپیماها و تعداد زیاد قربانیان غیرنظامی به‌سختی می‌توان پذیرفت که کاربرد این هواپیماها منطبق با مقررات حاکم بر مخاصمات مسلحانه است. در ضمن صحیح است که این نوع هواپیماها فاقد خلبان هستند، لکن هدایتگران آنها که از راه دور آنها را کنترل می‌کنند، هنگام مخاصمه در زمره نظامیان تلقی شده و همه قواعد مربوط از جمله کنوانسیون سوم ژنو در مورد اسیران جنگی در مورد آنان اعمال می‌شود.

نتیجه‌گیری

صرف‌نظر از ملاحظات حقوق داخلی و دغدغه‌های مختلف امنیت ملی، موضوع هواپیماهای بدون سرنشین به لحاظ بین‌المللی مسائل حقوقی مختلفی را مطرح می‌کند و تابع شاخه‌های مختلف حقوق داخلی و موضوعات تحت حاکمیت دولت‌هاست. همچنین تابع حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بین‌الملل هوایی، حقوق بشر بین‌الملل و حقوق بین‌الملل بشردوستانه است که

مطابق هر کدام از این شاخه‌های حقوق بین‌الملل، مقررات استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین تبیین شده‌اند. براساس توانایی‌ها و محدودیت‌های هواپیمای بدون سرنشین، می‌تواند ناقض حقوق بشردوستانه یا مطابق با آن باشد. شایان ذکر است که تمامی این شاخه‌ها جزئی از تمامیت حقوق بین‌الملل هستند که در کنار هم به تعیین مقررات و قواعد حاکم بر استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین پرداخته است. کاربرد هواپیماهای بدون سرنشین در درگیری‌های بین‌المللی به‌عنوان تسلیحات جنگی که به کار می‌برند، موضوعی بسیار پیچیده است و از آنجا که هواپیماهای بدون سرنشین وسیله هستند نه سلاح، مقررات ناظر بر کنترل تسلیحات بر آنها اعمال نمی‌شود؛ در نتیجه در مضمون حقوق مخاصمات، این هواپیماها به‌عنوان وسیله یا در راستای روش جنگی به کار می‌روند. به همین دلیل جامعه جهانی خواستار آن است که استفاده از این هواپیماهای بدون سرنشین باید مطابق مقررات منشور سازمان ملل متحد و حقوق بین‌الملل صورت پذیرد. کاربرد این نوع هواپیماها باید مطابق اصول اصلی و اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه شامل اصل تفکیک، اصل ضرورت، اصل تناسب و اصل احتیاط انجام گیرد و در استفاده از این ابزار همچنین باید موضوع تمامیت ارضی، حاکمیت دولت‌ها و حریم هوایی کشورها مدنظر قرار گیرد.

بی‌تردید رعایت اصول تفکیک، تناسب و ضرورت دشوار و رعایت آن نیازمند اهتمام و تعهد بیشتری است. مسئله دیگری که به رعایت قواعد کلی مورد اشاره و جنگ هوایی مربوط است، مسئله تشخیص است. اگرچه پیشرفت فنی دقت در اصابت مهمات هواپرد را افزایش داده و تشخیص اهداف هم بسیار ساده‌تر شده است، صدمات غیرنظامی رخ داده همچنان عظیم و قابل توجه است.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. آنتونی، راجرز؛ مالرب، پل (۱۳۸۲)، قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران: امیرکبیر.
۲. ساعد، نادر (۱۳۸۹)، جنگ ۳۳ روزه اسرائیل علیه حزب‌الله از منظر حقوق بین‌الملل، تهران: اندیشه‌سازان نور.
۳. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۲)، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران: کتابخانه گنج دانش و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ.
۴. فلک، دیتر (۱۳۹۱)، حقوق بین‌الملل در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، ترجمه زمانی و همکاران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های شهر دانش.

۵. لطفی، عبدالرضا؛ اخگری بناب، نادر؛ فقهی، محمدرضا (۱۳۸۹)، *حقوق بشردوستانه در منابع اسلامی و اسناد بین‌المللی: حمایت از محیط زیست، اموال و اماکن در مخاصمات مسلحانه*، تهران: هستی نما.
۶. نوشادی، رضا (۱۳۹۴)، *تدوین راهبردهای بهره‌برداری و توسعه هواپیماهای بدون سرنشین در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر نقش آن در جنگ‌های آینده*، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.

ب) مقالات

۷. پرتو، امین (۱۳۹۳)، «مرز ناروشن کاربرد سلاح‌های متعارف و کشتار جمعی در مخاصمات مسلحانه»، *فصلنامه حقوقی شهر قانون*، ش ۵.
۸. جباری، منصور (۱۳۸۸)، «مروری بر اسناد حاکم بر حقوق حمل‌ونقل بین‌المللی هوایی و سیر تحول آن»، *دوفصلنامه حقوق و سیاست*، دوره ۱۱، ش ۲۶.
۹. حسینی، سید محمد؛ محمدی، مهرداد؛ مکرمی قرطاول، یاسر (۱۳۹۸)، «تأملی بر وضعیت حقوقی به‌کارگیری پهپاد علیه تروریسم»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۹، ش ۱.
۱۰. علی‌نژاد، مهدی (۱۳۹۰)، «پهپادها، چالش‌های امروزه‌ی پدافند هوایی»، *مطالعات دفاعی و امنیتی*، ش ۶۲.
۱۱. قنبری جهرمی، محمدحسین (۱۳۸۷)، «دکترین نظامی و فرایند شکل‌گیری آن»، *مجله مطالعات دفاعی و امنیتی*، ش ۵۳.
۱۲. لسانی، سید حسام‌الدین؛ منفرد، مهوش (۱۳۹۶)، «تأملی بر مشروعیت کاربرد هواپیماهای بدون سرنشین در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۷، ش ۱.
۱۳. مکرمی قرطاول، یاسر؛ رنجبریان، امیرحسین (۱۳۹۶)، «نقض حریم هوایی کشورها از طریق پهپادهای آمریکایی (مطالعه موردی: پاکستان)»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۷، ش ۲.
۱۴. نقی‌زاده، زکیه؛ هواوندی، فاطمه (۱۳۹۱)، «کاوشی در مشروعیت استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات بین‌الملل (Jsi)*، ش ۳.

۲. انگلیسی

A) Books

15. Bergen, P, & Tiedemanni, K, (2013), *Talibanistan: Negotiating the Borders between Terror, Politics, and Religion*, Oxford University Press, 1st Edition.
16. Boothby, W.H, (2009), *Weapons and the Law of Armed Conflict*, Oxford:

Oxford University Press

17. Daly, M, (2010), *An Emperor Unmanned Aircraft at Jan's Defense. Publications in London*, cited in Golenberg. Tia Israel Unveils New Drone fleet that reach Iran Washington Examiner 22nd February 2010
18. Saxena, V. K, (2013), *The Amazing Growth and Journey of UAV's and Ballistic Missile Defence Capabilities: Where the Technology is leading to?* Vij Books India Pvt Ltd.
19. Schindler, D. & Tomarv, J. (1988), *The Laws of Armed Conflict*, Martinus Nijhoff Publishers.

B) Articles

20. Gómez, J.G, (1988), "The Law of Air Warfare", *International Review of the Red Cross*, 38 (323).
21. Javier G.G, (1998), "The law of air warfare, International", *Review of the Red Cross*, No. 323. 30.
22. Mary E, and Comell, O, (2010), "The International Come of Drones", *ASIL, Insight*, Vol. 14. Issue 37.
23. Michael. N, S, (2013), "Unmanned Combat Aircraft Systems and International Humanitarian Law: Simplifying the Benighted DCBAT, Boston University". *International Law Journal*, Vol. 30.
24. Nystuen, Gro & Casey-Maslen, Stuart, (2010), *The Convention on Cluster Munitions: A Commentary*, New York, Oxford University Press.
25. O,Connell, M.E, (2010), "The International Law of Drones", *ASIL Insights*, Vol.14, Issu 37

C) Documents

26. Report of the Special Rapporteur on Extrajudicial, (2010), *Summary or Arbitrary Execution Study on Targeted Killing*. 28 may 2010. Doc A/HRC/14/24/Add/6. Para, 85.
27. Special Raporteur on Extra Judicial, (2010), *Summary or Arbifary Executions Study on Target*. 79. Hum. RTS. Coans, UN. DOC. A/HRC/14/24Add. 6 (May.28.2010) by Philip Alston Chevein after Alson Report.